

یادداشت سردبیر

یادگیری در خاطرات نسل گذشته خلاصه‌ای است از لحظات خسته‌کننده، نشستن بر نیمکت‌های سخت چوبی و گوش دادن به محتوایی که کششی در دانش‌آموزان ایجاد نمی‌کرد. در این بین زنگ‌های تفریح دلپذیرترین لحظات برای هر دانش‌آموز بود تا در سرخوشی بازی‌های کودکانه خود را پیدا کند. اما دیوارهای بلند مدرسه، تصویری مبهم از زندگی می‌ساخت که با محتوای درسی همخوانی نداشت. این روند تا چند سال پیش رایج‌ترین شیوه آموزش در کشور بوده است؛ شیوه‌ای که میان آموزش -یعنی آنچه در مدرسه آموخته می‌شود- و زندگی شکافی عمیق ایجاد کرد و به تدریج ناکارآمدی خود را به رخ مسئولین، والدین و دانش‌آموزان کشید. رفع این شکاف نیازمند درک عمیق و درست از شرایط روحی و جسمی یادگیرندگان، اجتماع و زندگی توسط کسانی است که محتوای درسی را می‌نگارند تا میان آموزش امروز و زندگی فردای دانش‌آموزان رابطه برقرار شود.

البته چندی است در مسیر نو شدن رویکردهای آموزشی تحولاتی را در آموزش و پرورش شاهد هستیم که از پایان سلطنت کتاب‌های درسی و اختصاص ساعت‌هایی برای آموزش‌های آزاد، مهارتی و خارج از کلاس خبر می‌دهد. بنابراین فرصتی برای معلمان، مدیران و مسئولان آموزشی ایجاد شده است تا با آگاهی و خلاقیت در نوع آموزش خود از محتوای کتاب‌های درسی فراتر رفته و دانش‌آموزانی را رشد دهند که با مجهز شدن به تفکر خلاق، انتقادی و اعتقادی در اجتماع و زندگی نقش موجودی فعال و سازنده را ایفا کنند نه موجودی منفعل و بیگانه با خویش.

در این شماره جایگاه مهارت‌های فردی و اجتماعی در برنامه‌های آموزشی و سبک زندگی مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از انتخاب این موضوع و موضوعاتی که در شماره‌های گذشته به آن پرداخته شده است از قبیل *مدرسه شاد دانش‌آموز شاد، تفاوت‌های فردی و یادگیری در اجتماع و طبیعت* پرداختن به آن نوع آموزشی است که سعی می‌کند از شکل سنتی و حافظه‌محور فاصله گرفته و به محملی منعطف برای ارائه محتوایی متناسب با زندگی افراد تبدیل شود. آموزشی که یادگیرندگان را به وجد آورد، با واقعیت‌های اجتماع آشنا کند و آن‌ها را برای رویارویی با زندگی آماده سازد.

